

دختران جوان و تجربه زنانگی (مطالعه موردی در میان دختران دبیرستانی شهر تهران)

محمدسعید ذکایی*، معصومه قاراخانی**

چکیده: در اغلب فرهنگ‌ها فرایند زنانگی در دختران جوان کمتر با اهمیت تلقی شده و به عنوان موضوعی در حوزه مطالعات جنسیت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. طرز تلقی دختران از زنانگی، نحوه پذیرش و ایفاء ارزش‌های زنانگی توسط دختران از موضوعات قابل تأمل در بررسی زنانگی در میان دختران جوان است. در این پژوهش با شیوه نمونه‌گیری تصادفی هدفمند^۱ و تغییرات بیشینه^۲ و تعیین حجم نمونه به شیوه ایدئال نمونه‌گیری، به توصیف برداشت دختران از ارزش‌ها، عمل به کلیشه‌ها، نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی در آنان پرداخته‌ایم. یافته‌های این پژوهش مقدماتی با توجه به رویکرد کیفی (مصاحبه‌های گروهی و فردی) نشان می‌دهد زنانگی در دختران جوان با پذیرش نقش‌ها و هنجارهای متناسب با موقعیت اجتماعی و مقتضیات سنی تعریف می‌شود. علاوه بر این تصویری که آن‌ها از ارزش‌های زنانگی و نقش‌های زنانه ارائه می‌نمایند مبتنی بر تصورات قالبی و برداشت‌های رایج در این‌باره است. دختران جوان به موازات توجه به نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی زنان به نقش‌های رایج زنانه مبتنی بر تقسیم کار جنسیتی و تعریف زن از منظری مردانه گرایش دارند.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های زنانگی، دخترانگی، زنانگی، مطالعات دختران، نقش‌های جنسیتی، کلیشه‌های جنسیتی.

مقدمه

سازه‌گرایان اجتماعی با تأکید بر این موضوع که جنسیت یک سازه اجتماعی - فرهنگی است، اعتبار ویژگی‌های زیستی در تعریف زنانگی را بیشتر جلوه‌ای سیاسی و مبتنی بر روابط قدرت فهم کرده و این

saeed_zokaei@hotmail.com

mas_parsa@yahoo.com

1 . Purposeful Random Sampling
2 . Maximum Variation Sampling

* عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

ویژگی‌ها را به عنوان شاخصه‌های معرف زنانگی مخدوش می‌دانند. از نظر آنان، زنانگی - محصول یک فرایند متقابل اجتماعی - فرهنگی و بیولوژیکی است، که نظامی از روابط اجتماعی را در رابطه با هویت زنانه بازنمایی می‌کند. در جریان فرایند جامعه‌پذیری، اعضای مؤنث جامعه از بدو تولد در جهت کسب موقعیت زنانه تحت تعلیمات فرهنگی و اجتماعی منتج به زنانگی قرار می‌گیرند. آن‌ها با نقش‌های جنسی و جنسیتی خود آشنا می‌شوند و مطابق انتظارات اجتماعی به رفتارهایی چون، پوشیدن لباس‌های زنانه، بلند نگه داشتن موها، بچه‌داری، پخت و پز و شست و شو می‌پردازند و با تقبل این نقش‌ها جامعه‌پذیری‌شان را تکمیل می‌کنند. مطابق این تعریف ذات‌باورانه این شکل از زنانگی طبیعی و واقعی تلقی می‌شود.

صرف نظر از دوگانه‌انگاری‌های نظری در تعریف زنانگی، و سوای این‌که زنانگی ماحصل عوامل بیولوژیکی، فرهنگی یا حتی برساخته یک ایدئولوژی مردانه باشد، به برداشت دختران نوجوان از زنانگی کمتر توجه شده است. زیرا اغلب به نظر می‌رسد نوجوانی و جوانی بیشتر با تصاویری از مردانگی تداعی شده و خیلی با گفتمان زنانگی سنخیت و مناسبتی ندارد. همچنین «اغلب فرهنگ‌ها فرض را بر این می‌گیرند که برای یک دختر جوان، زن شدن آسان است، به این معنی که ظاهراً مردم در اغلب جوامع آن را فرایند با اهمیتی قلمداد نمی‌کنند» (روزالدو، ۱۹۷۴: ۲۸). بی‌اهمیت جلوه دادن زنانگی در میان دختران جوان از یک سو ریشه در بی‌توجهی نسبت به فرهنگ دختران دارد و از سوی دیگر تلقی زیست‌شناسانه از این فرایند آن را بی‌اهمیت می‌سازد. لذا این نظر وجود دارد که در بررسی زنانگی به دختران پرداخته نشده است. این موضوع خود شرح بی‌اعتنایی فرهنگ مردسالار به «مطالعات دختران» و مغفول ماندن دختران از مطالعات جامعه‌شناختی است. البته این موضوع تا حدودی نیز در ذیل مطالعات زنان مهجور مانده است. مکرابی^۱ و گاربر (۱۹۷۵) در مطلبی تحت عنوان «دختران جوان و خرده فرهنگ» بر این عقیده‌اند که در مطالعات گروه‌های فرهنگی جوانان، مطالعات کلاسیک مردم‌شناسی، تاریخ موسیقی پاپ، گزارش‌های شخصی و بررسی‌های ژورنالیستی کمتر به نقش دختران پرداخته شده است و هرچا هم یادی از آنان شده است در جهت تقویت بدون نقد همان تصاویر کلیشه‌ای از زنان بوده است (مکرابی و گاربر، ۱۹۷۵: ۱۱۲ و ذکایی، ۱۳۸۱).

از این‌رو پرداختن به مسئله زنانگی به لحاظ نظری و بنیادی و نیز پرسش درباره سؤالات حقیقی به منظور مطالعه جنسیت و فهم حاصله از شناخت موضوعاتی که در حوزه مطالعات زنان و دختران پیرامون زنانگی وجود دارد، به توانایی ما در درک ماهیت زنانگی نزد دختران و تغییرات آن در فرایند گذر به

بزرگسالی کمک خواهد نمود. در مقاله حاضر به دنبال نشان دادن تلقی و تعبیر دختران جوان از نقش‌ها و هنجارهای رفتاری دخترانه / زنانه در بین دختران جوان و نیز آشکار ساختن نگرش دختران درباره کلیشه‌های جنسیتی و ارزش‌های زنانگی هستیم. نتایج این پژوهش نگرش دختران درباره ارزش‌های زنانگی و اولویت بندی آن‌ها از این ارزش‌ها را در طیفی از دختران دانش‌آموز شهر تهران که از خاستگاه‌های طبقاتی و مکانی متفاوتی انتخاب شده‌اند، نشان می‌دهد.

مبانی نظری

هویت اجتماعی که فرد در گروه یا جامعه معینی دارد موقعیت اجتماعی^۱ او را تعیین می‌کند و متناسب با این موقعیت است که از فرد رفتار و نقش اجتماعی^۲ معینی انتظار می‌رود (گیدنز، ۱۳۷۸). جوانی به عنوان یک موقعیت اجتماعی که جوان خود را با آن تعریف می‌کند متضمن نقش‌های معینی است. به عقیده بارت و وایت (۲۰۰۲) در طی این دوره جنس به طور چشمگیر عامل برجسته‌ای است که مفهوم خویش و موضع فرد در جهان اجتماعی را شکل می‌دهد (بارت و وایت، ۲۰۰۲: ۴۵۱). برخی با تأکید بر تغییرات بیولوژیکی و ظهور علائم بلوغ جنسی در دختران «تجربه جوانی برای دختران را کاملاً متأثر از مسئله جنسی می‌دانند» (مور، ۱۳۷۶: ۱۲۹). چنان‌که شماری از مردم‌شناسان با بررسی این دوران و نقش آن در کسب هویت جنسیتی دختران در جوامع مختلف، از آن به عنوان «مراسم آشناسازی» (بنگرید به الیاد، ۱۳۶۸) نام می‌برند. اسمن معتقد است، رشد و تحول دختران در سنین بلوغ احتمالاً پیچیده‌ترین روند رشد در انسان است. آن‌ها باید با پیچیدگی‌های ناشی از بازتاب کشمکش‌های ادیپی، بر سر رقابت‌های ناشی از آن کشمکش‌ها با مادر، و عداوتی که این رقابت‌ها میان دو زن به وجود می‌آورد، کنار بیایند. در عین حال باید خودشان را در مقام یک زن بپذیرند (فرایدی، ۱۳۷۸: ۱۴۵). در واقع، دختری «دوره‌ای گذرا» (نگاه کنید به آستین به نقل از هود و بلیامز و هریسون، ۱۹۹۸) و آغاز فرایند نمایش زنانگی است.

به عقیده چودرو «رشد اولیه دختر بدون هیچ‌گونه تضاد یا چالشی، در گروهی - گروه همسالان - که عضویت در آن بدون چون و چرا صورت گرفته، قرار می‌گیرد. در واقع سن دختر است که جایگاه و نقش او را مشخص می‌کند و نه توانایی‌ها و پیشرفت او و این برای یک دختر هم یک امتیاز و هم مسئولیت‌برانگیز

1. Social Position
2. Social Role

است» (روزالدو، ۱۹۷۴: ۲۵). لذا قرار گرفتن دختر در موقعیتی به مقتضای سن او، متضمن شکل‌گیری نقش‌هایی مختص به اوست. در بررسی این نقش‌ها، از یک سو توجه به روابط دختران با والدین - به ویژه نوع رابطه با مادر- و نیز گروه دوستان و همسالان آنها ضروری است و از سوی دیگر عمل به هنجارهایی است که در این دوره برای دختران عادی به نظر می‌رسد.

یکی از الزامات هنجاری در میان دختران توجه به قیافه ظاهری و چگونگی حضور در مقابل همسالان همجنس و غیرهمجنس است. به عقیده گیدنز (۱۳۷۸) مراقبت از بدن یکی از ابزارهای اساسی است که شخص به کمک آن روایت معینی از هویت شخصی را محفوظ می‌دارد و در عین حال خود نیز از ورای همین روایت در معرض تماشا و داوری دیگران قرار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۹۰). یک زن همواره خود را واری می‌کند. او تقریباً همیشه با پندار ویژه خودش از خود همراه می‌شود... از آغاز کودکی به او آموخته‌اند و او را اقناع کرده‌اند تا خودش را به گونه‌ای مستمر مورد بررسی قرار دهد... برای این‌که چگونه در حضور مردان ظاهر شود. این چگونگی حضور به عنوان موفقیتی در زندگی‌اش از اهمیت زیادی برخوردار است (برگر، ۱۹۷۲ به نقل از بر، ۱۹۹۸: ۱۱۰ با اندکی تلخیص). لذا توجه دختران به شیوه لباس پوشیدن و نوع آرایش آنها موضوعی جزئی نیست و نشانه‌هایی درباره ماهیت گرایش‌های جنسی در آنان است. چک باستلو درباره گرایش دختران به آرایش می‌نویسد:

دختران در سن ویژه‌ای - گاهی بسیار جوان - دست به آزمون رژلب، پودر و رژگونه می‌زنند. در بیشترین نمونه‌ها، این پدیده یا از تند و تیز شدن رابطه با پدر و مادر ریشه می‌گیرد یا در پیوند با آن است. در همین مال، گویی آنها می‌فهمند از گروه سنی خود پیش افتند... دختران به این سبب لوازم آرایش را به کار می‌برند که با پیرتر نشان دادن خود با آرایش، راه خود را آسان و هموار کنند. آنچه آنها می‌فهمند بگویند روشن است. از رهگذر مادی لوازم آرایش آنها آرزوی خود را برای کوتاه کردن دوره کودکی و نوجوانی و به دست آوردن دلفواهرترین چیز در دنیا - یعنی بزرگسالی - بیان می‌کنند (به نقل از هسن، رید و واترز، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

گرایش به دلخواه‌ترین چیز، یعنی بزرگسالی درست در سنی که کشش جنسی در دختران آغاز می‌شود، رخ می‌نماید و نیازی برای تجربه کردن و دانستن می‌شود. کشش جنسی و رابطه با جنس مخالف به نماد منتقل می‌شود و به این ترتیب لوازم آرایش نشانی از توانایی و آزادی دنیای بزرگسالی خواهد بود. لذا آرایش ابزاری برای پنهان کردن نوجوانی و نیز نمایاندن خود در سنی که از نظر اجتماعی مورد قبول است - به ویژه

در مورد رابطه با غیرهمجنس - می‌گردد. این گرایش در میان دختران جوان گاه منشأ رقابت‌های جنسی در مواجهه با جنس مخالف نیز می‌گردد.

در نوجوانی، دختران به ورود در روابطی با پسران در قالب یار^۱ به شکل عشقی کوچک^۲ دعوت می‌شوند آنان با دیدن هر رابطه جدید به عنوان آخرین، تک جفتی و رابطه‌ای همیشگی اصرار می‌ورزند (کرینگتون، ۱۹۸۶ به نقل از لی، ۱۹۹۴: ۵۲). تحقیقات سارسی^۳ (۱۹۸۳) و شارپه^۴ (۱۹۷۶) مؤید آن است که مهمترین مسئله برای دختران در سال‌های نوجوانی‌شان پیدا کردن یک مرد است، و به این منظور مجذوب افکار عاشقانه می‌شوند^۵، به بیان دیگر «عاشق عشق می‌شوند» (به نقل از آبوت و والاس، ۱۳۷۶: ۴۱). مک‌رابی و گاربر عقیده داشتند که دخترها به جای آن که مثل پسرها «عصبان» کنند خیال‌بافی‌های عاشقانه را مفری برای خود قرار می‌دهند (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۰۴). به نظر می‌رسد عشق و عاشقی شکل اغراق شده کلیشه زنانگی است که می‌توان دلایل متعددی برای آن در نظر گرفت.

طبق مطالعات مک‌رابی (۱۹۹۱) درباره ایدئولوژی مجله جکی، ماجرای عاشقانه، مشکلات، مد، زیبایی و موسیقی پاپ حدود حیطه زنانگی دختران جوان را مشخص می‌کنند. دخترانی که تحت تأثیر ایدئولوژی این مجله هستند به طرف یک دنیای شخصی عاطفی سوق داده می‌شوند (استریناتی، ۱۳۸۰). فرگاسن (۱۹۸۳) محتوای سه مجله زنان (زن^۶، ویژه‌نامه زن^۷، هفته نامه زن^۸) در طول دوره ۱۹۸۰ - ۱۹۴۹ را واکاوی کرد و در بیست‌سال اول مجلات این دوره شماری از موضوع‌های تکراری را پیدا کرد. از جمله «رسیدگی و مراقبت از مرد خود»، «حفظ شادابی خانواده»، «زن شاغل یک همسر بد است»، «خودیاری»، «غلبه بر بدشانسی و دستیابی به کمال»، «بیشتر زیبا بودن». در مجلات بیست‌سال بعد، این دوره تغییرات اجتماعی در محتوای مجله‌ها در رابطه با موضوع‌هایی چون جلوگیری از حاملگی و تلفیق ازدواج با کار مزدبگیری انعکاس یافته بود. با این حال، فرگاسن دریافت که آرمان‌های سنتی درباره زنانگی، ارزش‌ها و نقش‌های زنان اغلب به

- 1 . Dating
- 2 . Miniromance
- 3 . Sarsby
- 4 . Sharpe

^۵ . فیلم دختری با کفش‌های کتانی نخستین جلوه‌های احساس، عشق و بلوغ را در دختری نوجوان نشان داده و مصایب مربوط به آن را به تصویر می‌کشد.

- 6 . Woman
- 7 . Woman's Own
- 8 . Woman's Weekly

همان شکل باقی مانده‌اند (بر، ۱۹۹۸: ۱۰۶). لذا دختران از پنج سالگی و بعد از آن تدریجاً شروع به کمک کردن به مادرشان می‌نمایند و بیشتر وقت‌شان را با آنها می‌گذرانند (چودرو، ۱۹۷۴: ۵۵). [لذا گفته می‌شود] یک زن با پا گذاشتن جای پای مادرش زن شده است (روزالدو، ۱۹۷۴: ۲۸) و از او خواسته می‌شود نقش زنانه را به گونه‌ای کامل برعهده گیرد (روش‌بلاو، ۱۳۷۲: ۲۸۷).

همان‌طور که بررسی برخی هنجارها و نقش‌های جنسیتی دختران نشان می‌دهد، دختری^۱ (دختربودگی) به عنوان یک موقعیت اجتماعی فعالیت‌ها و نقش‌های خود را اقتضا می‌کند. از اینروست که ایفای این نقش‌ها توسط دختران چیزی به عنوان فرهنگ دخترانه را شکل می‌دهد که این فرهنگ بطور عام در اغلب دختران مشاهده می‌شود. این دوره متضمن نقش‌های جنسیتی ویژه‌ای است که به عنوان هنجارهای دخترانه بازنشاسی می‌شوند. به این ترتیب دختران با عمل به این هنجارها که در فرهنگ رفتاری آنان وجود دارد، بخشی از زنانگی خود را نشان می‌دهند. در این پژوهش با توجه به سه محور ارزش‌های زنانگی، نقش‌های جنسیتی و پایبندی به کلیشه‌های جنسیتی، در پی پاسخ به این پرسش هستیم که فهم دختران از ارزش‌های زنانگی چیست؟ و نگرش آنان از کلیشه‌های جنسیتی چگونه است؟ بر این اساس، بر پایه سه محور پیشین در نمونه مورد مطالعه، ضمن توصیف زنانگی در دختران جوان به برخی از هنجارهای رفتاری و نقش‌های جنسیتی آنان می‌پردازیم.

روش پژوهش

در این پژوهش برای اطمینان از انتخاب نمونه‌های مناسب جهت پاسخگویی به سؤالات تحقیق از نمونه‌گیری تصادفی هدفمند استفاده شده است. نمونه‌گیری غیر اریب سبب می‌شود تا پژوهشگر از این طریق بر اعتبار یافته‌های تحقیق بیفزاید. علاوه بر این، از شیوه نمونه‌گیری تغییرات بیشینه نیز بهره برده‌ایم. این شیوه مستلزم انتخاب مواردی است که دامنه تغییرات پدیده مورد مطالعه را نشان دهد. بر این مبنای انتخاب دخترانی با برخی ویژگی‌های خاص (نظیر عضویت در تیم‌های ورزشی، دخترهای با رفتارهای شلوغ و شیطنت آمیز یا با تمایلات خرده فرهنگی ضد مدرسه) نیز مورد توجه بوده است. حجم نمونه با شیوه ایدئال نمونه‌گیری یعنی شیوه‌ای که تا رسیدن به موارد زائد نمونه‌گیری استمرار می‌یابد، تعیین شده است. به این ترتیب اطلاعات حاصل از گفت‌وگو با دختران با انجام مصاحبه‌های نیمه سازمان یافته، مصاحبه گروهی (پنج گروه چهارنفری به مدت ۳۴۰ دقیقه) و مصاحبه فردی (پانزده مصاحبه فردی، هر مصاحبه با میانگین

دختران جوان و تجربه زنانگی ۶۵

۳۸ دقیقه و به مدت ۵۷۰ دقیقه) بدست آمده است. جدول شماره ۱ تعداد مصاحبه‌های انجام شده به تفکیک منطقه و پایه تحصیلی مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: تعداد مصاحبه‌های انجام شده به تفکیک منطقه و پایه تحصیلی مصاحبه‌شوندگان

| منطقه | مقطع تحصیلی | نوع مصاحبه | |
|-------|-------------|------------|-------------------|
| | | فردی | گروهی (چهار نفری) |
| سه | اول | - | ۱ |
| | دوم | ۲ | ۱ |
| | سوم | ۲ | - |
| یازده | اول | ۳ | - |
| | دوم | ۳ | - |
| | سوم | - | ۱ |
| نوزده | اول | ۱ | - |
| | دوم | - | ۱ |
| | سوم | ۴ | ۱ |
| جمع | - | ۱۵ | ۵ |

کاربرد مصاحبه گروهی در کنار مصاحبه‌های فردی، سبب می‌شد تا با ایجاد تعامل میان شرکت‌کنندگان در مصاحبه، آن‌ها در بیان عقاید و احساسات خود بیشتر ترغیب شوند. علاوه بر این، برخی از دختران داوطلبانه در نمونه‌گیری مشارکت کرده و تمایل به شرکت در مصاحبه داشتند. از این تمایل که می‌توانست در ایجاد رابطه صمیمانه جهت پیشبرد مصاحبه مفید باشد، استقبال شده و نمونه‌های داوطلب نیز در نمونه‌گیری شرکت داده شدند. جدول شماره ۲ مشخصات مصاحبه‌ها و مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد. مصاحبه‌ها را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف و برای مقاصد متفاوت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. همان‌طور که گال و همکاران (۱۳۸۲) متذکر می‌شوند، در پژوهش کیفی روش تجزیه و تحلیل نوظهور و خلق‌الساعه است. روشی که در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است نیز از این امر مستثنی نیست. در این‌جا سعی نمودیم ضمن در نظر گرفتن پیوستگی درونی یعنی طرح اطلاعات به شیوه‌ای که یکدیگر را نقض نمایند و نیز پیوستگی بیرونی یعنی رعایت تناسب میان مباحث طرح شده و چارچوب نظری ارائه شده در پژوهش، به توصیفی از داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده بپردازیم.

جدول شماره ۲: مشخصات مصاحبه‌ها و مصاحبه‌شوندگان

| ردیف | نوع مصاحبه | پایه تحصیلی | سن | مدت مصاحبه |
|------|------------|-------------|----|------------|
| ۱ | فردی | دوم | ۱۶ | ۳۵ دقیقه |
| ۲ | فردی | دوم | ۱۶ | ۲۰ دقیقه |
| ۳ | فردی | دوم | ۱۶ | ۳۵ دقیقه |
| ۴ | فردی | اول | ۱۵ | ۳۰ دقیقه |
| ۵ | فردی | اول | ۱۶ | ۲۰ دقیقه |
| ۶ | فردی | اول | ۱۵ | ۲۵ دقیقه |
| ۷ | فردی | سوم | ۱۷ | ۲۵ دقیقه |
| ۸ | فردی | سوم | ۱۷ | ۳۰ دقیقه |
| ۹ | فردی | سوم | ۱۸ | ۳۰ دقیقه |
| ۱۰ | فردی | سوم | ۱۷ | ۳۰ دقیقه |
| ۱۱ | فردی | دوم | ۱۶ | ۴۰ دقیقه |
| ۱۲ | فردی | سوم | ۱۷ | ۲۵ دقیقه |
| ۱۳ | فردی | دوم | ۱۶ | ۳۰ دقیقه |
| ۱۴ | فردی | سوم | ۱۸ | ۴۵ دقیقه |
| ۱۵ | فردی | سوم | ۱۷ | ۳۵ دقیقه |
| ۱۶ | گروهی | اول | ۱۷ | ۹۰ دقیقه |
| ۱۷ | گروهی | سوم | ۱۷ | ۱۱۰ دقیقه |
| ۱۸ | گروهی | دوم | ۱۶ | ۸۵ دقیقه |
| ۱۹ | گروهی | سوم | ۱۷ | ۱۱۵ دقیقه |
| ۲۰ | گروهی | دوم | ۱۶ | ۶۵ دقیقه |
| جمع | - | - | - | ۹۱۰ دقیقه |

جهت دستیابی به این منظور مصاحبه‌های ضبط شده پس از تبدیل به متن نوشتاری چندین مرتبه مرور شده و به شیوه تحلیل مضمون، دلالت‌های صریح و ضمنی در نظرات دختران بر مبنای هر یک از محورهای مورد نظر استخراج گردید و در نهایت یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها به شیوه اثبات از طریق مثال^۱ توصیف شده و مصادیق هر یک از مضمون‌ها به عنوان اشکالی از «تعاملات اجتماعی» (فی، ۱۳۸۱) ارائه

گردید. به این ترتیب با ذکر بخش‌هایی از متن مصاحبه، سعی داشتیم دیدگاه‌ها و برداشت‌های منحصر به فرد هر یک از دختران را در رابطه با محورهای مورد نظر حفظ نماییم.

یافته‌ها

در این پژوهش بر مبنای سه محور عمده از جمله ارزش‌های زنانگی، نقش‌های جنسیتی و پایبندی به کلیشه‌های جنسیتی به چگونگی مواجهه دختران با موقعیتی که به لحاظ جنسی و جنسیتی دارا هستند، نظیر رفتارهای نقش جنسیتی، خود ابرازی جنسیتی، جهت‌گیری نسبت به غیرهمجنس، نگرش‌ها و برداشت‌های دختران درباره دوستان و همسالان‌شان پرداخته و نشان می‌دهیم که چگونه نگرش‌ها و برداشت‌های دختران جوان درباره محورهای یادشده به واسطه تقابل میان فرهنگ و ذهنیت‌شان ایجاد می‌شود. دختران جوان به شیوه‌ای ناخودآگاه، در لابه‌لای گفت و گوهای‌شان علاوه بر توصیف هویت جنسیتی خود، به مفهوم سازی و اولویت بندی ارزش‌های زنانگی نیز پرداخته‌اند. در این‌جا بخشی از یافته‌های این پژوهش را که به نظر می‌رسد توصیف کننده ذهنیت و تجارب دختران مورد مطالعه در کلیت آن باشد، ارائه خواهیم کرد.

ارزش‌های زنانگی

ادراک دختران از ارزش‌های زنانگی در دو بعد شناختی و رفتاری مورد توجه قرار گرفته است. در بعد شناختی، دختران با طرح بایدها و نبایدها درباره شخصیت و صفات اخلاقی زن، ارزش‌های زنانگی را در صفاتی از جمله: «مداراجو»، «حافظ خانواده»، «غمخوار»، «حامی»، «فداکار» و ... بازگو می‌نمایند. این ارزش‌ها در نظر دختران دبیرستانی همان تصویر کلیشه‌ای از زنان را القاء می‌کنند که از طریق فرایند جامعه‌پذیری کسب شده است. آن‌ها در پاسخ به این سؤال که کدام یک از نقش‌های زن را ارزشمند می‌دانند و از نظر آنان نقش ایده‌آل یک زن چیست؟ می‌گویند:

شقایق! تو زندگی هیپی رو از همسرش پنهان نکنه. به نظر من همسری مهمه و بعد مادری.

سمانه: زنی که ایمان داشته باشه، اول باید همسر فوبی باشه و بعد مادر... .

مریم: فداکار و پاکدامن باشه، مادری نقش مهمیه.

رویا: شوهرش ازش راضی باشه. به نظر من نقش مادری مهمه.

دختران ابعاد شناختی ارزش‌های زنانگی را نه به صورت ارزش‌های ذاتی و مستقل از موقعیت زنان، بلکه در ارتباط با نقش زن در قبال خانواده و دیگران مورد توجه قرار می‌دهند. سپیده - تا حدی اغراق آمیز - درباره ارزش‌های زنانگی می‌گوید:

یه زن واقعی که ازدواج کرده، باید به فکر بچه و شوهرش باشه. یه زن فداکارتر از یه مرد. مردا نمی‌تونن ممیثتون رو ابراز کنن. یه زن نباید به فونواده فیانت کنه، چون فونواده بیشتر لطمه می‌فوره. اگه پدرم بره زنی بگیره شاید اینقدر نارامت نشم که مادرم با مرد دیگه‌ای باشه. چون اگه پدرم با زن دیگه‌ای باشه اونقدر به فونواده لطمه نمی‌فوره. برای این‌که مادرم براهم الگو این مسئله براهم مهمه. بعد رفتاری، معیار قضاوت اخلاقی دختران پیرامون نقش‌های جنسیتی است. ادراک دختران دبیرستانی از زنانگی، درباره تقسیم‌کار جنسیتی مبتنی بر تصویری کلیشه‌ای از نقش‌های «همسری» و «مادری» است. این نکته نشان می‌دهد، که نقطه نظرات درباره ارزش‌های جنسیتی در دختران وابسته به خصوصیات روانی - جسمی جنس زن و متکی بر گزاره‌های مبتنی بر قضاوت و داوری است. تعریفی که دختران از ارزش‌های زنانگی ارائه می‌دهند، تداعی‌کننده مفهوم زن در معنای «دیگری» است. چرا که او را بیشتر در رابطه با نقش‌هایش در خانواده تعریف می‌نمایند. از نظر این دختران مادری در نقش زنانه، اساسی تلقی شده است، چنان‌که وضعیت «حکم مادری»^۱ و برساخته بودن آن توسط جامعه فراموش می‌شود. از میان دخترانی که درباره ارزش‌های زنانگی با آن‌ها مصاحبه شد، تنها تعدادی از آن‌ها زنانگی را در تعریفی غیر از تعاریف کلیشه‌ای «زن وفادار به زندگی و شوهر»، «کدبانو و خانه‌دار بودن»، «داشتن مدیریت خوب در خانه»، «زن متین و پاکدامن»، «تربیت‌کننده فرزندان» و «عاطفی و احساسی بودن» مد نظر داشته و ارزش‌های زنانگی را منتسب به کسب موقعیت‌های اجتماعی توسط او و به عنوان کنش‌گری مستقل در نظر گرفته‌اند.

سپه‌یلا: زنی که در اجتماع مضور داشته باشه و تمصیلات بالا داشته باشه و با مردها فرقی نداشته باشه.

طناز: زن واقعی زنیه که در هر جایگاهی وظیفه‌اش را خوب انجام بده. اگه مادر یا اگر شغلی داره ممکنه باشه و مسؤلیت‌پذیر. فقط به همسر و بچه توجه نکنه. زن شغل ارزشمندتره. نه این‌که خانه‌دار

۱. Motherhood Mandate این مفهوم از روسو است (بنگرید به هاید، ۱۳۸۴: ۲۰۶).

باشه و فقط آشپزی کنه، من این زن رو دوست ندارم. زن باید هم شغلی داشته باشه، هم استقلال مالی داشته باشه.

به نظر می‌رسد با وجود این‌که برخی دختران تا حدی از تصورات قالبی درباره ارزش‌های زنانگی پراثرتر گذاشته و به نقش‌هایی غیر از مادری و همسری توجه می‌کنند، با این حال به ایجاد تعادل و همسازی میان نقش‌های زن در حوزه خصوصی و عمومی تأکید می‌نمایند. گفت و گو با این دختران درباره ارزش‌های زنانگی، تصویری از نقش‌های کلیشه‌ای زنانگی را تداعی کرده و نشان می‌دهد با وجود تحولاتی که در عرصه اجتماعی صورت گرفته است، آرمان‌های سنتی درباره ارزش‌ها و نقش‌های زنانگی کمتر دستخوش تحول شده‌اند. علی‌رغم اظهارات متنوع و متفاوت دختران در ارائه شیوه‌های زنانگی و طرح ارزش‌های زنانگی، تصویر برجسته‌ای که می‌توان از گرایش دختران به ارزش‌های زنانگی مطرح نمود، همان تصویر رایج مبتنی بر تصورات قالبی «همسر خوب» و «مادر نمونه» است.

نقش‌های جنسیتی

یکی از جنبه‌های رفتار نقش^۱ در دختران جوان گرایش به همسالان همجنس است. با ورود به دوره نوجوانی و جوانی دوستی برای دختران معنای جدیدی پیدا کرده و اولویت‌های دیگری غیر از یک همبازی یا هم‌کلاسی را برای آنان جلوه‌گر می‌سازد. آن‌ها با انتظارات مختلفی درباره دوستی با همسالان خود صحبت می‌کنند و با تأکید بر عواطف در دوستی‌های خود انتظار دارند دوستان همجنس‌شان صفاتی از جمله «دورو نبودن»، «مهربانی»، «صداقت»، «رازداری»، «شنونده خوبی بودن»، «مغرور نبودن» و ... را داشته باشند.

به نظر می‌رسد برشمردن این صفات و ویژگی‌ها از سوی دختران برای ورود به حلقه صمیمیت در دوستی‌ها بیشتر به توقعاتی مربوط می‌شود که دختران در دوستی‌های خود دارند. یکی از این انتظارات صمیمی بودن و یاریگری از سوی دوستان است. دختران بر اهمیت داشتن روابط عاطفی و صمیمانه در دوستی‌های خود تأکید می‌کنند، زیرا وجود روابط صمیمانه را زمینه‌ای برای برقراری روابط عمیق شخصی و افشاگری‌های عاطفی و گوش فرادادن به درد و دل‌های یکدیگر می‌دانند. راحله، درباره انتظاراتی که از دوستان صمیمی خود دارد، می‌گوید:

تو این سن مهربونی و پاکی و رابطه‌هایی که با هم داریم، کمتر به فکر سوءاستفاده از همدیگه‌ایم. دفترازی که منطقی باشن و مرف آدم رو بفهمن، مرف آدم رو بشنون، شنونده فوبی باشن. راستگو بودن دوستم براه مهمه، بدبین نباشه و مهربون باشه، اما گاهی اوقات اعتماد زیاد به درد نمی‌خوره. همان طور که نتایج پژوهش‌های کالدول و پیلو (۱۹۸۲) نیز نشان داد، دختران مایل به تأکید بر گفت‌وگو و مشارکت عاطفی در دوستی‌های خود هستند (بنگرید به هاید، ۱۳۸۴). به نظر می‌رسد یکی از دلایل وابستگی دختران به دوستان صمیمی بهره‌مندی از صداقت و رازداری آنان در افشاکاری‌های عاطفی و احساسی‌شان باشد. علاوه بر کارکرد صمیمیت و یاری، الگوهای دوستی در میان دختران کارکردهای دیگری نیز دارد؛ از جمله کسب موقعیت بواسطه داشتن دوستانی با ویژگی‌هایی است که به طور عام مطلوب تلقی می‌شوند. طنز می‌گوید: فیلی از دفترا ظاهراً با هم دوست هستن، مثلاً آگه دفتری فوشگل یا پولدار باشه، باهاش می‌گردن و به خاطر فودش نیست.

به این ترتیب داشتن فردی خاص به عنوان دوست، فرصتی برای کسب موقعیت در میان همسالان را برای دختران فراهم می‌سازد. لذا می‌توان اظهار داشت، هرچند نتایج پژوهش‌های مختلف از وجود دوستی‌های صمیمانه و عمیق در میان دختران گزارش می‌کند (بنگرید به گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۷۸ و هاید، ۱۳۸۴)، اما الگوی دوستی مبتنی بر صمیمیت و دلبستگی‌های عاطفی در میان دختران چندان مانعی برای رقابت و تظاهر به رفتارهای صمیمانه را در بین آن‌ها فراهم نمی‌نماید. طبق گفت‌وگوهایی که با دختران درباره کیفیت رابطه آنان با دوستان‌شان داشتیم، اکثر آنان به وجود تظاهر در دوستی‌ها و رقابت بر سر موضوعات مختلف اشاره داشتند. احتمالاً یکی از دلایلی که نتایج این پژوهش را با نتایج برخی پژوهش‌های دیگر متفاوت می‌سازد، وجود زمینه‌هایی است که همسالان همجنس را در مقابل غیرهمجنسان‌شان قرار می‌دهد. زیرا به نظر می‌رسد وجود دختران و پسران در کنار یکدیگر در فضای مدرسه باعث شکل‌گیری گروه‌هایی از دوستان همجنس به عنوان رقبایی برای غیرهمجنسان‌شان، سبب تحکیم دوستی‌ها در میان آنان شده و قرارگرفتن آنان در وضعیت‌های مشابه، صمیمیت بیشتری را برای آنان به همراه دارد. شرایطی که به نظر می‌رسد عدم وجود آن در نمونه مورد مطالعه ما، در کیفیت دوستی میان همسالان همجنس تأثیری نخواهد داشت. شهرزاد، درباره کیفیت دوستی در میان دختران و مقایسه‌ای که خود درباره نوع دوستی دختران و پسران به عمل می‌آورد، می‌گوید:

پسرا تو دوستیاشون بهتر هستن، دفترا بدترن. دفترا به فاطر مسودی ذاتی دوستی طولانی و ممکن دارن، پیشم و هم پیشمی باعث شده دوستیای جالبی نداشته باشن، اما پسرا اینطوری نیستن و با معرفتن. دفترا صمیمی هستن اما صمیمی‌ترین هم از مسودی دیوونه می‌شه. من زنی ندیدم مسود نباشه. پسرا با هم رقابت دارن اما تو دفترا اسمش مسودیه. سر دوست‌پسراشون، سر لباس با هم مسودی می‌کنن.

موضوعات مختلف از جمله ظاهر، نوع لباس و آرایش و ویژگی‌های دوست غیرهمجنس از عمده‌ترین سوژه‌هایی است که دختران را در موقعیت مقایسه با دوستان خود، حتی صمیمی‌ترین دوستان قرار داده و منشأ رفتار رقابت‌آمیز میان آنان می‌شود. رقابت بر سر درس و نمره نیز از دیگر سوژه‌های ایجادکننده فضای رقابت‌آمیز در میان همسالان صمیمی است. اما طبق اظهارات دختران بیشترین زمینه‌های رفتار رقابت‌آمیز درباره ویژگی‌های ظاهری (لباس و نوع آرایش) و مشخصه‌های دوستان غیرهمجنس (ظاهر و هیکل، ماشین، هدایایی که از طرف او دریافت می‌شود و تحصیلات) است. علی‌رغم این که سارسی (۱۹۸۳) اشاره می‌کند، توجه به ظاهر و دوست‌پسر برای دختران جوان طبقه کارگر بیش از طبقه متوسط اهمیت دارد^۱ (مک‌رابی و گاربر، ۱۹۷۵: ۱۰۴) اما تا آن‌جا که نتایج حاصل از مصاحبه‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد، رفتارهای رقابت‌آمیز صرفنظر از پایگاه اجتماعی - اقتصادی در میان همه دختران جوان تقریباً به یک شکل وجود دارد.

علی‌رغم این که انگیزه‌های رقابت‌آمیز می‌تواند دلیلی برای توجیه رفتارهای نقش جنسیتی در زمینه توجه به ظاهر و لباس و نوع آرایش باشد، «به عقیده گانتز عوامل روانشناسانه، زیباشناسانه و اجتماعی گوناگونی زنان را مجذوب لباس و مد ساخته است» (گانتز، ۱۹۹۵ به نقل از پورغلام آرانی، ۱۳۸۴: ۶۱). چنان‌که تلقی دختران در استفاده از لوازم آرایش توسط همسالانشان گاه ناشی از عوامل زیباشناسانه از جمله، میل و کشش درونی دختران برای داشتن جذابیت و زیبایی یا ناشی از عوامل روان‌شناسانه از جمله، جبران خودکم‌بینی‌های شخصیتی یا بالا بردن اعتماد به نفس، عنوان می‌شود. بخشی از گفت‌وگوهای دختران در این باره مؤید همین نظر است.

شایسته: آرایش به نیاز، برا این‌که بعضی دوس دارن نگاهشون کنن.

۱. توجه به ظاهر و لباس و رفتارهای رقابت‌آمیز دختران جوان، در فیلمی از Tom Brady با عنوان The Hot Chick به خوبی به تصویر کشیده شده است.

سهیلا: برا این‌که فوشگل‌تر بشن و اعتماد به نفسشان بالا بره. البته بعضی برا این‌که بگن بزرگ شدن و می‌شه به عنوان یه دفتر متوجه مضورشون شد. مهشید: به خاطر جلب توجه و برا این‌که فواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو، برا این‌که از دوستاش کم نیاره.

در برخی نمونه‌ها چگونگی حضور در مقابل دوستان همجنس و غیرهمجنس به کیفیت رابطه دختران با خانواده، به ویژه روابط تلافی‌جویانه یا پیوندی با والدین نیز مربوط است. به این صورت که دختران گاه از سر تندی و تیزی روابطشان با والدین، استفاده از لوازم آرایش را ابزاری برای سرکشی و مخالفت با آن‌ها در نظر می‌گیرند. در پاره‌ای موارد این رفتار تحت تأثیر هنجارهای خانواده از سوی والدین، و به ویژه مادر آموخته می‌شود. این پدیده به تأثیر رفتار همسالان صمیمی و همانندسازی با آنان نیز مربوط است. شقایق، درباره انگیزه دختران در گرایش به استفاده از لوازم آرایش و تأثیر همسالان بر آن می‌گوید:

هر کس دیدی داره، من فکر می‌کنم بعضیا فکر می‌کنن بزرگ شدن، اما من فکر می‌کنم هر کس فودش را هر طور که دوست داره باید دُرست بکنه، اما الان هر کسی می‌بینه دوست پسرش یا دوستش بطوری دوست دارن. خیلی برای جلب توجه، یک سری کمبود دارن، کمبودای رومی، اونایی که دوست پسر دارن به خاطر کمبود ممبت یا به خاطر ممدودیتنه. متی برا این‌که مثل دوستاشون بشن آرایش می‌کنن، در واقع الگو گرفتن، وقتی ما کسی رو دوست داریم می‌فوایم مثل اون بشیم، درواقع بعضی وقتا دوستا تأثیر می‌ذارن.

اهمیت توجه به نقطه نظر دیگران نسبت به خود در شکل‌گیری هویت توسط دختران، تداعی‌گر این عقیده است که «شکل‌گیری هویت در پسران درون‌شخصی است در حالی که در دختران وسیع‌تر است. یعنی هم بعد درون‌شخصی و هم بعد بین‌شخصی دارد (جیمز، ۲۰۰۱: ۸۴). به این معنی که، دختران نسبت به این‌که چگونه در نظر دیگران جلوه می‌کنند، بسیار حساس هستند. بنابراین بدن به مثابه محملی برای هویت، باعث می‌شود تا همواره تجربه زانگی در مفهوم اجتماعی و فرهنگی آن بین دختران جوان با مجذوب شدن از طریق خودآرایی، توجه به لباس و پوشش بروز کند. در واقع، استفاده از لوازم آرایش به منظور برخورداری از جذابیت و زیبایی به عنوان نمادی برای ورود به بزرگسالی و پذیرش از سوی افراد

غیرهمجنس تلقی می‌شود. علی‌رغم این که برخی از نمونه‌ها در این پژوهش مرز سنی برای استفاده از لوازم آرایش در نظر می‌گیرند^۱، اما آن‌ها اعتقاد دارند که دختران از سن نوجوانی به آزمون این لوازم می‌پردازند. داشتن همتای جنسی و مورد توجه قرارگرفتن از سوی او یکی دیگر از ویژگی‌های نقشی در دختران جوان است. اغلب دختران به مورد توجه قرارگرفتن توسط پسران اظهار تمایل می‌نمودند. سپیده، در پاسخ به این سؤال که «آیا برای او مهم است پسری به او توجه کند؟»، می‌گوید:

بله مهمه. برای من مهمه. اگه دفتری این طوری نباشه باید به خودش شک کنه. هر پقدر هم بگن طرف جواد^۲، ولی باز از این‌که پسری بهش توجه کنه فوشش می‌یاد.

با وجود این، دختران در توجیه ویژگی نقشی مذکور دلایل متعددی ذکر می‌کنند، برخی آن را جزء طبیعت جنس مؤنث دانسته و عقیده دارند همه دخترها از مورد توجه قرارگرفتن توسط غیرهمجنسان‌شان احساس رضایت می‌کنند. برخی نیز آن را مقتضای سنی دختران و گذرا دانسته و اهمیتی به آن نمی‌دهند. این دسته چندان توجهی به پذیرفته شدن از سوی پسران ندارند. این دختران که بعضاً عقیده داشتند هنوز در سنی نیستند که به اظهار تمایل پسرها نسبت به خودشان پاسخ مثبتی بدهند به شدت به این موضوع پایبند بودند که این اظهار تمایل باید با علاقه واقعی و با هدف ازدواج باشد. شماری از دختران نیز که توجه پسرها نسبت به خود را بی‌معنی می‌دانستند، اظهار می‌کردند که در رفتارشان گرایش‌های پسرانه دارند و مانند پسرها رفتار می‌کنند، لذا نیازی به جلب توجه برای جذب پسران به سوی خود ندارند. سهیلا، که دخترها را «لوس» و «احساساتی» می‌داند، بیان می‌کند تمایل به انجام کارهای پسرانه و رفتار پسرانه دارد، او می‌گوید:

تا حالا درموردش فکر نکردم، چون کسی بهم توجهی نکرده، اگه هم بکنه مثلاً می‌گه پرا موهاش اینطوریه، چون موهامو پسرونه می‌زنم. علاقه‌ای ندارم پسری به من توجه کنه. با اونا مثل دفترا (فتار) می‌کنم فرقی براش نداره.

در واقع دخترهای جوان دو نگرش متفاوت نسبت به برقراری روابط دوستانه و عاطفی با غیرهمجنسان‌شان دارند. اغلب دختران جوان به این دوستی‌ها به عنوان دوستی‌های صمیمانه و عادی، به دور از گرایش‌های جنسی میان دو غیرهمجنس توجه داشته و برقراری این نوع از دوستی را - که تنها

۱. البته در این مورد تناقضاتی در گفتار و رفتار دختران دیده می‌شد. مثلاً در پاره‌ای موارد، بعضی از دختران که عقیده داشتند آرایش خوب نیست و استفاده از لوازم آرایش را موقوف به پایان دبیرستان و رفتن به دانشگاه می‌کردند، دیده می‌شد قبل از تعطیل شدن دبیرستان، پنهانی مشغول استفاده از وسایل آرایش بودند.

۲. منظور این است که ناشیانه برخورد می‌کند.

دربگیرنده روابط عاطفی و صمیمانه و به دور از هرگونه نزدیکی جسمانی یا دلبستگی‌های خیالی باشد - تأیید می‌نمایند. نگرش دوم مربوط به دخترانی است که عقیده دارند دوستی با غیرهمجنس «خوب» نیست. آن‌ها به دو دلیل از آن سرباز می‌زنند. یکی تصور آینده‌ای مشخص از این دوستی، یعنی داشتن عشقی رمانتیک و منتهی شدن آن به ازدواج است که چون دختران خود را در موقعیت سنی مناسبی برای ازدواج نمی‌دانند با آن مواجه نمی‌شوند. و دلیل دوم، هراس از دست دادن است. البته این دلیل هم تا حدودی بر پیش زمینه فکری قبل درباره دوستی با غیرهمجنس مبتنی است. ماندانا می‌گوید: **به نظر من تو این سن جز آشنستگی ذهنی چیز دیگه‌ای نیسی. اما اگه بفواهم ازدواج کنم دوست می‌شم.**

اگرچه ماهیت گرایش جنسی در دختران جوان داشتن دوست غیرهمجنس را برای آنها امری طبیعی می‌سازد، اما نداشتن رابطه جنسی برای دختران از اهمیت بالایی برخوردار بوده و اعتباری محسوب می‌شود. چنان‌که طبق اظهارت برخی از دختران دوستی با غیرهمجنس به منظور حفظ این اعتبار کنار گذاشته می‌شود^۱. درواقع گرایش جنسی دختران با توجه به پیامدهای منفی از دست رفتن این اعتبار، از جمله سرزنش از سوی خانواده و بدگویی دختران درباره یکدیگر کنترل می‌شود. لذا همان‌طور که کوهن، نیز اشاره می‌کند، «مسئله دختران این است که باید در محدوده باریک واقع شده در حد فاصل بین جذابیت جنسی برای انجام ازدواج موفق و کنترل دسترسی دیگران به بدنشان که مایه بی‌آبرویی و از دست دادن جایگاه ارزشمند خود در بازار ازدواج می‌شود، حرکت کنند» (کوهن، ۱۹۹۵ به نقل از پورغلام‌آرانی، ۱۳۸۴: ۵۵ - ۵۴ با اندکی تلخیص و تغییر). احتمالاً همین عامل برخی دختران را در مواجهه با جنس مخالف دچار نوعی هراس ساخته و بازتاب آن را می‌توان به شکل عدم تمایل به برقراری ارتباط دوستانه با غیرهمجنس دانست. این نگرش با برداشتی که دختران از طرز تلقی پسران درباره خود داشتند نیز تقویت می‌شود. دختران در خلال گفت‌وگوهای خود اشاره می‌کنند، تنها دلیل گرایش پسرها به دخترها و طرح دوستی آنها با دخترها «برقراری رابطه جنسی» و برخورداری از «لذت جنسی» است. شاید بتوان گفت این خود دلیل دیگری برای هراس از برقراری رابطه دوستی با پسرها است. نتایج تحقیقات سولیس (۱۹۸۶) نیز نشان داده است که پسران چگونه دختران را در حوزه عمومی با تهدید به زدن برچسب بی‌بندوبار به آنان، کنترل می‌کنند. در

۱. خاطرنشان می‌شود، نتایج پژوهش در میان دختران دانش‌آموز مقطع متوسطه شهر تهران نشان می‌دهد ۴۷/۲ درصد اظهار کرده‌اند که دوست غیرهمجنس دارند (قاراخانی، ۱۳۸۵). علاوه بر این نتایج پژوهش ذکایی و میرزایی (۱۳۸۴) در مورد پسران دانش‌آموز مقطع متوسطه شهر تهران نیز حاکی از آن است که ۴۵/۹ درصد از پسرها نیز دارای دوست غیرهمجنس هستند.

دختران جوان و تجربه زنانگی ۷۵

مورد پسران، خوشگذرانی را لازمه جوانی می‌دانند ولی سرزدن رفتاری از دختران موجب سرزنش است و چه بسا به زدن برچسب‌های توهین آمیزی به آنان می‌انجامد.

پایبندی به کلیشه‌های جنسیتی

نقطه نظر دختران درباره کلیشه‌های جنسیتی پیرامون تفاوت‌های میان دو جنس از جمله «پسرها خشن هستند»، «روحیه ریسک‌پذیری دارند» ... و دخترها «احساساتی هستند»، «مهربان هستند» و ... می‌باشد. این تفاوت‌ها بیشتر معطوف به ویژگی‌های جسمی و روحی - روانی میان دو جنس است. چنان‌که برشمردن این تفاوت‌ها، تقسیم‌بندی میان حوزه خصوصی و عمومی با ویژگی‌های منحصر به هر یک از آن دو را توجیه نموده و تفاوت در فرصت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی را نیز پوشش می‌دهد. در یک مصاحبه گروهی، دخترها می‌گویند:

زهره! بین دختر و پسر تفاوت هست. هم جسمی و هم رومی. از پسر فوشم نمی‌یاد. چون می‌گن پسر بالتر هستن، در این مورد همیشه با پدرم جنگ دارم. اما به نظر من تفاوت بین اونها زیاد نیست، فانوما بزرگتر هستن.

پوپک: تفاوت فیلی وجود داره. هم از نظر شغلی و اجتماعی و هم جسمی و رومی. فیلی شغلا برا ما فوب نیست.

زهره! مثل کار روی کشتی، فانوم نمی‌تونه از فونه دور باشه.

آسیه: تفاوت به لحاظ جنسی، تفاوت فقط در همین. می‌گن پسر بیشتر زور دارن و دفترا نمی‌تونن کار سفت بکنن. پسر تا دیر وقت بیرون هستن اما به دفترا شک می‌کنن.

زهره! تو جامعه عرف شده که فانوما نمی‌تونن کارایی رو بکنن. ما از نظر جسمی متفاوت نیستیم، توی جامعه اینطوری می‌گن.

مریم: به نظر من تفاوت فقط توی شغله. مردم تفاوت می‌ذارن، اما نباید اهمیت داد. به دفترا بیشتر گیر می‌دن ولی پسر کارای بدتری می‌کنن.

به‌طور کلی از خلال گفت‌وگو با دختران می‌توان نگرش آنان به کلیشه‌های جنسیتی را در سه گروه دسته‌بندی نمود: گروه اول، عقیده دارند بین زن و مرد تفاوت وجود دارد و این تفاوت‌ها به ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی - فرهنگی مربوط است. نگرش این دختران درباره تفاوت‌های جنسیتی برخاسته از کلیشه‌های رایج در جامعه بوده و با فرایند جامعه‌پذیری درونی شده است و ریشه در ویژگی‌های بیولوژیک

زن و مرد دارد که مرزهای جنسیتی میان زنان و مردان را در نظر این دختران ضروری جلوه می‌دهد. از نظر این دختران، زنان باید بیشتر زنانه رفتار کنند و مردان، مردانه. دختران نظرات خود را درباره تفاوت‌های میان دو جنس این‌گونه بیان می‌کنند:

شقایق: غیبت کردن مفصل زناست. یه کلاغ و چل کلاغ، مسادت.

سمانه: کارایی هست که در توان زن نیست. بشینن آشیزی کنن بهتره.

مریم: بعضی کارا برا مرد زشته مثل فونه‌داری و سفره‌آرایی.

رویا: سافتمان بدن زن و مرد فرق می‌کنه. زن امساسبه و نمی‌تونه قضاوت بکنه. من مهندسی مکانیک و ریاضی رو برا فانوما قبول ندارم. کارایی مثل روانشناسی و پرستاری زنونست، یا آموزش فانواده، تزئینات فونه برا فانوم واجب‌تره.

گروه دوم، دخترانی که عقیده دارند تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد، و این تفاوت‌ها برساخته‌ای اجتماعی است. این عده صفات و ویژگی‌هایی را برای زن و مرد برمی‌شمارند که گریزی از آن‌ها نبوده و آنان را ملزم به پذیرش این تفاوت‌ها می‌سازد. و گروه سوم، دخترانی هستند که در باور آن‌ها تفاوتی میان دو جنس وجود ندارد، اما آن‌ها تفاوت‌هایی را برشمرده و به دلیل وجود تصورات قالبی درباره تفاوت‌های میان دو جنس بین این دو تمایز قائل می‌شوند. در واقع طرح عدم وجود تفاوت میان زن و مرد از سوی این دختران و نیز برشمردن تفاوت‌های جنسی میان زنان و مردان توسط آنان نمودی از دوگانگی در باور آنان نسبت به کلیشه‌های جنسیتی است. اما به نظر می‌رسد این تعارض خود ناشی از برجستگی تأثیر کلیشه‌های جنسیتی در جهت‌دهی به باور آنان است. مونا می‌گوید:

من فودم اعتقادی به این تفاوتا ندارم. اما در جامعه به خاطر این زیاده که این تفاوتا را گذاشتن. هر جای دنیا به سری تفاوت هست. البته به سری تفاوت لازم. مثلاً تفاوت در رشته و کار البته فانوما نشون دادن که در این‌مورد موفق بودن. ولی به سری تفاوت هست که لازم مثل ساعت برگشت به فونه. می‌گن دفتر هشت شب باید فونه باشه، پسر اگه تا ده شب بیرون باشه اشکال نداره. فوب این لازمه، به شرایط جامعه برمی‌گرده. اگه بفوایم شرایط جامعه رو درنظر بگیریم، تفاوت بی‌معنیه.

جهت‌گیری مبتنی بر تصورات قالبی درباره دو جنس در گفت و گوهای دختران نشان می‌دهد، آن‌ها به شدت تحت تأثیر تصورات قالبی درباره تفاوت‌های میان دو جنس قرارداشته و به طور ناخودآگاه به شرایط ساختاری موجود تن داده‌اند. این شرایط آن‌ها را به پذیرش برخی محدودیت‌های اجتماعی و برچسب‌های

جنسیتی از سوی جامعه ناگزیر می‌سازد. لذا آنان با هر ویژگی منحصر به فردی که دارا باشند، در پس ماسک زنانگی خویش که به دست اجتماع و فرهنگ ساخته می‌شود قرار می‌گیرند.

فرض بر این است که به موازات تغییر در دیدگاه‌های اجتماعی درباره زن و مرد، کلیشه‌های رایج درباره آنان نیز دستخوش تحول و تغییر گردد. گو این که برخی نقطه‌نظرات که توسط دختران ارائه می‌شود، نشان می‌دهد تا حدودی تصورات قالبی درباره تفاوت‌های میان زن و مرد متزلزل شده است، اما ارائه دلایلی مبنی بر این که چه عواملی سبب شکل‌گیری این نگرش در برخی از دختران جوان شده است، قابل تأمل می‌باشد. با این وجود، گفت و گو درباره خصیصه‌های روان‌شناختی زنان و برشمردن صفات و ویژگی‌هایی از جمله «ضعیف‌بودن، احساساتی بودن، اهل هنر بودن، سادگی، حسادت، اعتماد به نفس پایین، ارزش زن بر مبنای ویژگی‌های ظاهری و ...» در زنان و صفاتی از جمله «مغرور بودن، آزادبودن، مشارکت بهتر در کارهای گروهی، زورگویی، سهل‌گیرتر بودن و ...» در مردان، نشان دهنده آن است که دختران جوان قادر به اجتناب از کلیشه‌های زنانه نیستند. لذا به نظر می‌رسد، با وجود تغییر و تحولات اجتماعی، ارجاع به نگرش زیست‌شناسانه، و توجیه تفاوت‌های میان زن و مرد بر مبنای ساختمان ذهنی و جسمی هم‌چنان باقی مانده است.

یکی دیگر از کلیشه‌های رایج در میان دختران جوان پایبندی آنان به تصور غالبی درباره «دختر خوب» است. ترس از برچسب خوردن به دلیل انحراف از هنجارهای رایج زنانگی، تمایل به پایبندی به این کلیشه رایج را در آنان هدایت می‌نماید. دختران به خاطر به کار بردن کلمات رکیک، یا سردادن خنده‌های بلند یا سایر رفتارهایی که جامعه آن را برای یک دختر نامطلوب می‌داند، مورد سرزنش قرار می‌گیرند. دختران خود را در مواجهه با الزاماتی می‌بینند که از کودکی برای آن‌ها تعیین شده و لذا خود را ملزم به رعایت آن‌ها می‌دانند. آن‌ها با مرزهای جنسی در زندگی روزمره اجتماعی «نباید شب دیر به خانه برویم» و حتی ارتباطات کلامی‌شان «ما نباید بلند بخندیم» روبرو هستند. این الزام حتی در مورد مصاحبه‌شوندگانی که خود را دخترانی پرجنب و جوش و اهل شوخی و شیطنت می‌دانستند نیز صدق می‌نمود. چنان‌که آن‌ها اظهار می‌کردند فقط در مدرسه رفتارهای شیطنت آمیز دارند و در خیابان - که انتظار می‌رود «متین و سربه‌زیر» باشند - از انجام اینگونه رفتارها اجتناب می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که دختران جوان درباره «دختر خوب» به آن اشاره می‌نمایند، تأکید بر نداشتن روابط جنسی است. نداشتن رابطه جنسی برای دختران به عنوان یک اعتبار، آنان را از تهدید در حوزه

عمومی از جمله بدگویی‌های دوستان و همسالان و نیز برچسب‌های توهین‌آمیز از سوی افراد غیرهمجنس حفظ می‌نماید. در اشاره به این موضوع، ریحانه می‌گوید:

داشتن رابطه جنسی به دفتر از نظر من بد. اما اگر رابطه جنسی نداشته باشم دفتر فویبه. از دفتراپی که دوست پسر دارن و به اون می‌نازن فوشم نمی‌یاد.

علاوه بر این، از نظر دختران جوان معیار «دختر خوب» به ویژگی‌ها و صفات اخلاقی نیز مربوط می‌شود. دختران داشتن صفات اخلاقی مثل «ادب و متانت»، «با حیا بودن» و «راستگویی» و... را نیز ملاک خوب بودن یک دختر می‌دانند. به این ترتیب، دختران با پیروی از معیارهای زنانگی که بازتابی از هنجارهای رفتاری تعیین شده و پذیرفته شده از سوی جامعه است، بر مبنای انتظارات اجتماعی عمل می‌کنند. آنان با پیروی از معیارهایی که بازتاب شیوه برخورد با آنان از زمان کودکی است، و نیز با «همسان‌سازی با مادر» (در این باره بنگرید به بلوتی، ۱۳۷۷؛ بادنتر، ۱۳۷۷؛ گرت، ۱۳۸۱) جنسیت خود را به نمایش گذاشته و پایه‌های زنی را در خود تحکیم می‌کنند. بنابراین تصویری که دختران جوان از «دختر خوب» ارائه می‌نمایند، همان تصویری است که جامعه آن را القاء می‌کند.

یافته‌های این پژوهش درباره پایبندی دختران به کلیشه‌های جنسیتی، همسو با نتایج مطالعاتی که درباره تغییر کلیشه‌های جنسیتی صورت گرفته است نشان می‌دهد، با وجود تغییراتی که در نقش‌های زنان و مردان در جوامع بوجود آمده است، اما باورها درباره خصوصیات و صفات وابسته به جنسیت و تصورات قالبی جنسیتی چندان تغییری نکرده است (بنگرید به گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۷۸). به این ترتیب کلیشه‌های جنسیتی که دختران می‌آموزند، قالب رفتار آنان و بخشی از هویت جنسیتی آنان را شکل می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با توجه به سه محور ارزش‌های زنانگی، نقش‌های جنسیتی و پایبندی به کلیشه‌های جنسیتی، در پی آن بود تا دریابد فهم دختران از ارزش‌های زنانگی چیست؟ و نگرش آنان از کلیشه‌های جنسیتی چگونه است؟ لذا با اتکا به سه محور پیشین در نمونه مورد مطالعه، ضمن توصیف زنانگی در دختران جوان به برخی از هنجارهای رفتاری و نقش‌های جنسیتی آنان پرداخته شد. مقاله حاضر به عنوان مطالعه‌ای اکتشافی نشان می‌دهد که زنانگی در دختران جوان، برآیندی از ارزش‌ها، نقش‌ها و کلیشه‌هایی

است که به مقتضای ویژگی سنی خود دارا هستند. آن‌ها با عمل به نقش‌ها و پایبندی به کلیشه‌هایی که مبتنی بر موقعیت اجتماعی زندگی آنان است زنانگی خود را نشان می‌دهند.

درون‌مایه‌های ضمنی و صریح گفت‌وگوهای دختران حاکی از بازتولید زنانگی رایج توسط آنان است. زنانگی از سوی دختران جوان با برداشت‌های متعددی تعریف می‌شود. این زنانگی گاه متضمن داشتن جذابیت‌های زنانه وابسته به جنس و گاهی نیز متضمن برخی ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی خاص که از سوی جامعه برای زنان ارزشمند تلقی می‌شود، است. تصویری که دختران جوان از ارزش‌های زنانگی ارائه می‌نمایند مبتنی بر همان تصورات قالبی و برداشت‌های سنتی برساخته اجتماعی است. لذا اگر به زعم اُرتنر بپذیریم که «دیدگاه فرهنگی متفاوت می‌تواند تنها از واقعیت اجتماعی متفاوت برخیزد و یک واقعیت اجتماعی متفاوت تنها از دیدگاه فرهنگی متفاوتی نشأت گیرد (اُرتنر، ۱۹۷۴: ۸۷) آن‌گاه درک این موضوع آسان‌تر خواهد بود که نگرش دختران جوان درباره ارزش‌های زنانگی و پایبندی آنان به کلیشه‌های زنانگی ریشه در ساختاری دارد که به صورت یک واقعیت اجتماعی، ذهنیت دختران را در این‌باره شکل می‌دهد. عمده تعریفی که دختران جوان از زن ایده‌آل ارائه می‌نمایند، مبتنی بر ارزش‌هایی نظیر مادری و همسری، عفت و پاکدامنی، ایثار و گذشت، رسیدگی به کارهای خانه، اطاعت از پدر، برادر و همسر، نداشتن رابطه جنسی نامشروع و پوشش و آرایش بر اساس قضاوت جامعه است. آن‌ها علی‌رغم این‌که به نقش‌های زنانه در حوزه اجتماعی توجه می‌نمایند، اما علاقه زیادی به تأکید بر نقش‌های رایج زنانه و تعریف زن از منظری کاملاً مردانه در قالب عفت، حریم و حرمت دارند.

علاوه بر این، پژوهش حاضر کانون توجه خود را رفتارها و نمادهای نقشی که به عنوان بخشی از هویت جنسیتی دختران در نظر گرفته می‌شود و نیز نوع روابط با همسالان همجنس و افراد غیرهمجنس قرار داده است. یافته‌ها نشان داد دختران در پی انتظارات در دوستی‌های خود، از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کنند. در واقع، تنظیم روابط دوستانه در قالب دوستی‌های صمیمی یا رقابتی، مبتنی بر انتظاراتی است که دختران از یکدیگر دارند. روابط دختران فرصتی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد تا در خلال گفت‌وگوها و رفتارهای صمیمانه‌شان زنانگی خود را بروز دهند. اما این گفت‌وگوهای صمیمانه عرصه را برای رفتارهای رقابت‌آمیز میان دختران تنگ نمی‌نماید. درباره نوع روابط با افراد غیرهمجنس نیز یافته‌ها حاکی از آن است که، صرف‌نظر از انگیزه‌های زیستی و روانی در برقراری روابط عاطفی با غیرهمجنس، برخی از انتظاراتی که دختران از این دوستی‌ها دارند زمینه‌ساز گرایش بیشتر آنان به ایجاد روابط دوستانه مذکور است. فراهم شدن

موقعیت ازدواج عمده‌ترین انگیزه در برقراری روابط دوستانه با غیرهمجنس است^۱. کسب این موقعیت متضمن پیروی از الگوهای نمادین و عمل به رفتارهای نقشی متناسب با آن است. مراقبت از بدن و توجه به ظاهر یکی از رفتارهای نقشی در میان دختران جوان است که آنان را همواره در شرایط کسب تجربه زنانگی قرار می‌دهد. لذا وابستگی ویژگی‌های ارگانیک و رشد شخصیت با چگونگی ارزیابی اجتماعی از سوی دیگران به یکدیگر مربوط است. چنان که ظرافت اندام دختران و داشتن شخصیتی طنز همراه با متانت و وقار در نحوه ارزیابی اجتماعی که از رفتار او می‌شود، تأثیر می‌گذارد. از طرفی این همبستگی حالتی از دوگانگی میان مجذوب بودن و کنترل دسترسی دیگران نسبت به خود را برای آن‌ها ایجاد می‌کند. در واقع آنان می‌کوشند تا مواظب رفتار خود بوده و آن را با انتظاری که از نقش «دختر خوب» می‌رود هماهنگ سازند، یعنی با مجموعه روشنی از انتظارات که به رفتارها، شیوه لباس پوشیدن و صحبت کردن و مانند آن‌ها مربوط است. در واقع، نگرش‌های جنسیتی دختران سبب می‌شود تا آن‌ها موقعیت پوشیده و تابع بودن زنان در جامعه را بازتاب نمایند.

به این ترتیب زنانگی در دختران جوان با پذیرفتن نقش‌ها و هنجارهای متناسب با مقتضیات سنی، به گونه‌ای متفاوت از هویت جنسیتی زنان در ساختارها و موقعیت‌های اجتماعی دیگر تعریف می‌شود. قرارگرفتن در موقعیت جوانی در دختران، زنانگی را به نحو متفاوتی بازتعریف می‌نماید. لذا همان‌طور که زنانگی در زمان و در ساختارهای اجتماعی گوناگون به شیوه‌هایی متفاوت تعریف می‌شود، ارزش‌ها، نقش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی سازنده هویت جنسیتی آنان نیز به مقتضای موقعیت و ساخت اجتماعی که در آن قرار دارند، تعریف خواهد شد. از این رو زنانگی اشاره به کیفیت‌های فیزیکی، رفتاری و نگرشی داشته و آن‌چه را برای زن بودن در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی نیاز دارد، مشخص می‌سازد.

منابع

- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۷۶)، درآمدی بر جامعه‌شناسی فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: ناشر دنیای مادر.
- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- آن ماری، روش بلاو اسپنله (۱۳۷۲)، مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک‌نظر، تهران: گام نو.

۱. نتایج پژوهش (قاراخانی، ۱۳۸۵) در شهر تهران نشان می‌دهد از میان ۴۷/۲ درصد از دخترانی که اعلام کرده‌اند دوست غیرهمجنس دارند، ۲۱/۹ درصد اظهار کرده‌اند تمایل به ازدواج با او را دارند و ۲۴/۸ درصد نیز اظهار عدم تمایل کرده‌اند.

- الباد، میرچه (۱۳۶۸)، آیین‌ها و نمادهای آشناسازی، ترجمه نصراله زنگوئی، تهران: نشر آگه.
- بلوتی، النا جانینی (۱۳۷۷)، اگر فرزند دختر دارید... (جامعه‌شناسی و روان‌شناسی شکل‌گیری شخصیت در دخترها)، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نشرنی.
- پورغلام‌آرانی، زهرا (۱۳۸۴)، «بررسی گرایش‌ها و رفتارهای خرده‌فرهنگی دختران نوجوان و عوامل مؤثر بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱)، «گذار به بزرگسالی و جوانی روبه‌تغییر»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳، پاییز.
- ذکایی، محمدسعید و سید آیت‌الله میرزایی (۱۳۸۴)، «پسران جوان و ارزش‌های مردانگی (پژوهشی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳، پاییز.
- فرایدی، نانسی (۱۳۷۸)، مادرم = خودم، ترجمه زهره زاهدی، تهران: انتشارات جیحون.
- فی، برایان (۱۳۸۱)، فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرشی چند فرهنگی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: انتشارات طرح نو.
- قاراخانی، معصومه (۱۳۸۵)، «بررسی گرایش دخترهای جوان به ارزش‌های زنانگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- گال، مردیت، والتر بورگ و جویس گال (۱۳۸۲) روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، سمت، جلد اول.
- گراتیایه، بهروز (۱۳۷۷) فرهنگ و جامعه: بررسی موردی در زمینه فرهنگ عمومی، جلد ۲، تهران: نشر شریف.
- گرنث، تونی (۱۳۸۱) زن بودن، ترجمه فروزان گنجی‌زاده، تهران: نشر ورجاوند.
- گولومبوک، سوزان؛ رابین فی‌وش (۱۳۷۸) رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهرآرای، تهران: انتشارات ققنوس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مور، استفن با همکاری استفن پی، سینکلر (۱۳۷۶) دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- هاید، جانت شیبلی (۱۳۸۴) روان‌شناسی زنان (سهم زنان در تجربه بشری)، ترجمه اکرم خمسه، تهران: انتشارات آگه.
- هاید، ژانت (۱۳۷۷) روانشناسی زنان، ترجمه بهزاد رحمتی، تهران: لادن.
- هنسن، جوزف، ایولین رید و ماری الیس واترز (۱۳۸۱) آرایش، مد و بهره‌کشی از زنان، ترجمه افشنگ مقصودی، تهران: گل‌آذین.

Barrett, Annee.F; Hellene Raskin White (2002) "Trajectoris of Gender Role Orientation in Adolescence and Early Adulthood: A Prospective Study of the Mental Helth Effects of Masculinity and Femininity", *Jornal of Helth and Social Behiovere*, Vol. 43, No. 4. Dec, pp. 451 – 468.

Burr, V. (1998) *Gender and Social Psychology*, London, Routledge.

Chodrow, Nancy (1974) "Family Structure and Feminine Personality" , *Woman , Culture and Society, A Theoretical Overview*, Edited by Michelle Zimbalist and Louise Lamphere, Standford Universlty Press.

Frosh. S, et.al. (2002) *Young Masculinities: Understanding Boys in Contemporary Society*, Palgrave.

Hood – Williams, J. & Wendy Cealey Harison (1998) "Trouble with Gender", *The Editorial Board of The Sociological Review*, Published by Blackwell Publishers.

James, K.(2001) "I Just Gotta Have My Own Space! The Bedroom as a Lesure Site for Adolescent", *Journal of Leisure Research*, 33, 1: 71– 90.

- Macrobbi, A & Garber, J.** (1975) "Girls and Subcultures", An Exploration, in S. Hall (ed) Resistance Through Rituals (pp: 209 – 222) London : Hutckinson.
- Leahy, Terry** (1994) "Taking up a Position: Discourses of Femininity and Adolescence in the Context of Man / Girl Relationships", Gender and Society, Vol. 8, No.1. Mar. pp.48- 72.
- Ortner .B. Sherry** (1974) "Is Female to Male as Nature to Culture?" , in , Michelle Zimbalist and Louise Lamphere , Woman, Cultural, and Society, standford university Press.
- Rozaldo, Michelle Zimbalist** (1974) "Woman, Culture, and Society: A Theoretical Overview" , in , Michelle Zimbalist and Louise Lamphere , Woman, Cultural, and Society, Standford University Press.